



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۱۹۸۰۴۴۰ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۱ • ۲۶ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۹ مارس ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۲۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۲ • اذان مغرب ۱۸:۳۳
اذان صبح فردا ۴:۴۵ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

# شرق

دیالوگ روز

**امیرھوشنگ انتہاج (۵. اسایہ) ۱۳۰۶-۱۴۰۱**

بهار آمد گل و نسرين نياورد/ نسيمي بوی فروردين نياورد/ پرستو آمد و از گل خبر نيست/ چرا گل با پرستو همسفر نيست/ چه افتاد اين گلستان را چه افتاد؟ /که آئين بهاران رفتش از ياد/ بهارا خيز و زان ابر سبک‌رو/ بزَن آبی به روی سبزه نو/ مبین کين شاخه بشکسته خشک است/ چو فردا بنگري پر بيدمشک است/ مگو کين سرزميني شوره‌زار است/ چو فردا در رسد رشک بهار است

اگر خود عمر باشد سر برآرم/ دل و جان در هوای هم گمرايم/ دگر بارت چو بينم شاد بينم/ سرت سبز و دلت آباد بينم

## بهاریه نیلوفرانه

شرق: ... آمدم، به صف شدم و بعد شانه‌به‌شانه هم، درست در مقابل عکس تو نشستم و به چشمانت خیره شدم. تصویر می‌خندید. مدت‌ها می‌شود که تصویر تو آنجا حضور دارد و دائم همان لبخند همیشگی را به ما نشان می‌دهد. یکی از بچه‌ها می‌گفت گاهی که به تو، یعنی به تصویر تو نگاه می‌کند یاد ساعت بزرگ میدان شهری می‌افتد که همیشه روی ۱۲ ایستاده است. نام آن میدان و ساعت بزرگش را ۱۲ ظهر گذاشته بود. حالا حکایت توست. می‌شود نام تحریریه را از آن اتاق کوچک، در آن روزنامه کوچک برداشت و بالای آن نوشتت اتاق خنده نیلوفر، یا خنده نیلوفرانه و بعد پرانتزی باز کرد و درونش ساده نوشت که منظور ما نیلوفر حامدی است. باور کن اگر این اتفاق بیفتد، یک کار بی‌نظیر رخ داده است. تو چندماهی می‌شود که مسافر شدای، رفته‌ای در جاردیوار، محبوس مانده‌ای و ما از گریه‌های مداوم شهزاد در مقابل خنده‌های مداوم تو در تصویر و تونق‌های کش‌دار سایر همکارانت، بازهم در مقابل خنده ثابت تو، خسته شده‌ایم. از خدا می‌خواهیم که درست یک روز رأس ساعت ۱۲ ظهر نام تحریریه را باین بیاوریم و به جایش بنویسیم: «اتاق نیلوفرانه». همین، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیشتر!...

نیلوفر، نیلوفر حامدی، یا به قول سعیدعلی صالحی: «پرنده‌ای هر پرنده آنجا نشستته خاموش»، قرار است این مطلب برای تو باشد. مطلبی که در آخرین ساعت‌های زمستان، برای نخستین لحظه‌های بهار به یاد تو نوشته می‌شود. تویی که شش ماه پیش گوشه‌نشین هجران و غربت زندان شدی و ما هرروز، هر فرور به رسم رفاقت، دست را سایه‌بان چشم می‌کردیم که همین حالا نیلوفر بیچ کوچه وارد می‌کند، پله‌های روزنامه را بالا می‌آید، یک چیخ آبی در گوش تحریریه رها می‌کند و بعد قطره کوچکی اشک در کنار پلک هایش می‌درخشد که جایی را یافته‌ام که آدم‌هایش درد دارند یا آن‌طور که قیصر امین‌پور می‌گفت حتی جلد شناسنامه‌های‌شان هم درد می‌کند؛ اما تو نیامدی و ما همچنان به رسم رفاقتی که

### سفر نامه خوانی

## سفر با سفرنامه

**چطور خواندن سفرنامه تکرار تاریخ را سخت می‌کند!**



صالح تسبیحی

از آنجایی که نوروز از راه رسیده و ادا و عقلای باستان همه سزدن گیاه از زمین را به زندگی دوباره تشبیه کرده‌اند، من و شما هم خوب است دست از رنج برداریم و به روی روشن‌تر زندگی نگاه بیندازیم. این درخواست البته که بد زمانه و اوضاع ما اضافه‌کاری و سخت‌خواهی است اما مگر می‌شود جلوی روح بلند خیم‌ای حافظ ایستاد و در تاریکی شب‌های زمستان دست و پای زنان بهار را نادیده گرفت. همان عقلا معمولاً گفته‌اند طبیعت محل الهام هنرمندان است و روشن‌شدن ریشه‌ها بعد از خوابی زمستانی، محل ارجاع‌پذیر کلی شعر و داستان و نوشته و نقاشی و آثار متعدد، اما به من باشد، پیشنهاد می‌کنم به عبید زاکانی، آن شاعر و نویسنده بسیار باادب تاسی کبیر و به توصیه‌اش باشیم که می‌گفت ای عزیزان عمر را غنیمت شمارید. جزئی از غنیمت‌ها خواندن است و چه چیز جذاب‌تر از خواندن سفرنامه. بنابراین چند سفرنامه پیشنهاد می‌دهم که وقتی ملت مشغول سلام عید هستند، سر در کتاب بفرمایند و ایده‌ها بیایند.
**سفرنامه تاورنیه:** تاورنیه جواهرفروشی بود اهل جنوای ایتالیا که زمان شاه صفی به ایران آمد تا کاسیی کند. او از مرز عثمانی که می‌گذرد، می‌گوید از ناامنی گذشتهیم و به زمین امن ایران رسیدیم و شرح اشیائی که با خود دارد، با تراشه‌ها و شیشه‌ها و تگین‌هاشان، یک طرف، تشریح جغرافیای ایران آن زمان و خورد و خوراک ملت به کنار، توصیفش از دربار اصفهان و شاه دو تاج صفوی طرف دیگر، شاه صفی دو تاج بود چون یک بار تاج‌گذاری کرد و نامش را شاه سلیمان خواندند. بعد مدتی

دلش گرفته است که حرف در گوشه گلویش چمباتمه زده است و گاهی دستش را در هوای دلتگی تو به دیوار می‌گیرد که سایه‌اش توتلوتو نخورد، همان کار را تکرار می‌کنیم و باز هم خواهیم کرد و باز هم کوچ‌های که در مقابل روزنامه قد کشیده است، می‌بیند که ما هر غروب دست را سایه‌بان چشم می‌کنیم تا بشنویم پیچ خیابان می‌گوید: «نیلوفر آمد». تا صدایش برود به تمام محله‌های پردردی که تو اخم نگاه‌شان را گزارش کرده بودی و رد زخم‌شان را قاب می‌کردی، می‌آوردی و در روزنامه حاشیه‌هایش را رنگ آه می‌زدی. برای رنجشان کلمه می‌ساختی، می‌نوشتی تا شاید سرمایه به چشمان‌شان برسد، شاد شوند و کمی بخندند. نیلوفر حامدی نام کوچک توست که دل مادرت برای آن غنچ می‌رود و نیلوفر حامدی، روزنامه‌نگار و گزارش‌نویس نام کامل توست که دل مادرت باز هم برای آن غنچ می‌رود و چشمان سوخته آدم‌های منطقه درد نیز برای آن مرطوب می‌شود. یادمان می‌آید که این اواخر (به تاریخ بیرون‌بودنت از زندان) رفته بودی مرتضی‌گرد، محله‌ای فقیرنشین در حوالی پایتخت. جایی شاید یک ساعت پایین‌تر از منطقه‌ای که نرخ خانه‌هایش به هزار میلیارد تومان بین می‌زند. شهرکی در دهستان خلانزق، منطقه ۱۹ که بادش



سفرنامه ناصرخسرو: ناصرخسروی نام‌آور در عین آنکه شاعری

رفت. او چنان در نقش مردی بی‌چیز و تارک دنیا غرق شده بود که در تمام مسیرش از استانبول تا تهران و بعد سمرقند و هرات و خوهه کسی شک نکرد این مرد عضا به دست کج و کوله که از تگدی‌گری ارتزاق می‌کند و در خورجین قاطری جا می‌شود، سیاحی اروپایی است. کتابش حقا خواندنی است.

**سفرنامه ناصرخسرو:** ناصرخسروی نام‌آور در عین آنکه شاعری بی‌نظیر بود، به‌عنوان مردی شیعه، مبلغ آیین اسماعیلیه هم به حساب می‌آمد. قلم شیرین و نثر شیوای او در سفرنامه، دره‌تلخی‌های سفرش را می‌گیرد و روایت او از دمشق و شامات تا لبنان و بعد خانه خدا واقعاً جذاب است. اما اصل مطاع او تصویری یگانه در شرح دربار خلفای فاطمی مصر است. شاهانی رقیب خلیفه بغداد که رؤیای یک امپراتوری کم‌تعصبتر در نژاد و فقاقت را در دل شاعر شیر ایرانی زنده کردند و این سفر باعث شد از مرد یک‌جان‌شین منزوی آدمی جهان‌دیده ساخته شود.

**سفرنامه کازاما:** ژاپنی‌ها که در صنعت عجیب‌وغریب بودن در همه چیز پیش‌نشانند، بعد از سال‌ها در دوران پهلوی اول افسری بلندپایه رتبه کردند تا ایران و ژاپن بیشتر همدیگر را بشناسند. حالا هدف آنها پیش از جنگ جهانی چه بود و چه شد بماند و از سرنوشت تلخ آدمیرال کازامای سفیر هم بگذریم. (او در جریان جنگ جهانی، به عنوان فرمانده زیردریایی خدمت می‌کرد و غرق شد)... کازاما در شرح ایران رو به توسعه سنگ تمام گذاشته و پیش‌بینی‌هایش سرسزمینش کوتاه و موجز از ایران دوران تازه می‌گوید. علاقه‌اش به معماری و تاریخ ایران درسی است برای آنها که ایران را درست نمی‌شناسند و سوداهای خطا در سر دارند.

♦♦♦

خلاصه در سال ۱۴۰۲ فرصت خوبی خواهد بود که تاریخ دوباره تکرار نشود و خواندن سفرنامه‌ها برای برخی از اشتباهات تاریخی هر ملت احتمالاً لازم.



♦ جا روزدن آب، قیچی کردن آب، رهاکردن کفش‌های کهنه در آب و سه بار درشدن از عرض رودخانه از جمله کارهایی است که در چهارشنبه آخر سال و مراسم «نو اوستی» از دیدل با نیت حاکم‌شدن زلالی و روشنی انجام می‌شود. عکس: محمد دشتی/امهر



### زمین خوانی

### سیلاب پس از زلزله‌های جنوب ترکیه

وقوع سیلاب در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ در پهنه زلزله‌زده ۱۷ بهمن جنوب ترکیه موجب ۱۷ نفر کشته به‌ویژه در استان‌های آدیامان و شانلی‌اورفا شد. در بازدیدی

که از این منطقه از ۱۸ تا ۲۴ اسفند با همکارانم دکتر حق‌شناس و دکتر بسطامی به‌عنوان تیم شناسایی مناطق زلزله‌زده پژوهشگاه زلزله داشتیم، نکته فوق‌العاده وجود حجم وسیع آوار در این منطقه در داخل و اطراف شهرهای زلزله‌زده بود. زلزله در مناطق شهری مقدار درخور توجهی آوار بر جای می‌گذارد که خدمات امدادی و بازسازی را به تأخیر می‌اندازد. امدادرسانی بدون حذف آوار از جاده‌های اصلی دسترسی به مناطق تخریب‌شده غیرممکن است. اجرای صحیح این تلاش مستلزم مدیریت آوار است.

در زلزله ششم فوریه به بزرگی ۷٫۸ و سپس زلزله دوم به بزرگی ۷٫۵ در جنوب ترکیه و ۹ استان در جنوب این کشور، حدود ۷۰ هزار ساختمان ویران شد و در کل به حدود ۲۰۰ هزار ساختمان آسیب رسید. کانون زلزله در نزدیکی غازیانتپ محل زندگی هزاران پناه‌جوی سوری است. در ۱۴ تا ۱۵ مارس بارندگی شدید استان‌های آدیامان و شانلیورفا ۱۷ نفر جان خود را از دست داده‌اند که از این تعداد ۱۵ نفر در شانلیورفا (۱۱۱ میلی‌متر باران در ۲۴ ساعت گذشته) و دو نفر دیگر در آدیامان (۱۳۶ میلی‌متر باران در ۲۴ ساعت) جان خود را از دست داده‌اند. طبق گزارش ریاست مدیریت حوادث و فوریت‌های اضطراری (AFAD) و رسانه‌ها، حداقل پنج نفر (سه نفر در آدیامان و دو نفر در شانلیورفا) همچنان مفقود هستند. عملیات جست‌وجو و نجات انجام‌شده توسط مقامات ملی در منطقه ادامه دارد. در این دو استان تحت اثر زلزله‌هایی که یک ماه و نیم اخیر رخ داد، سه‌میلیون و ۳۲۰ هزار نفر با تخلیه یا ترک منطقه (با وسایل خود) به استان‌های دیگر و همچنین ۸۰۰ هزار نفر در داخل به روستاهای مربوطه آواره شدند. تا اول مارس، بیش از ۱۱ هزار پس‌لرزه رخ داد. پیش‌بینی می‌شود پس‌لرزه‌ها در آینده قابل پیش‌بینی ادامه داشته باشند. در ۲۰ فوریه زلزله (بسی‌لرزه) با بزرگی ۶٫۴ در هتای سه کشته و ۲۱۳ زخمی بر جای گذاشت. در ۲۷ فوریه نیز زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۵٫۶ در نزدیکی مالاتیا باعث فروریختن ساختمان‌های آسیب‌دیده و کشته‌شدن حداقل یک نفر شد.

ساختمان‌های آسیب‌دیده در معرض خطر بالایی از ریزش هستند. پسماند زلزله در پیرامون و داخل شهرها مورفولوژی سطحی در گستره‌های شهری را تغییر داده و بخشی از این پسماند در آبراهه‌ها و کنار رودخانه‌ها ریخته شده است. جریان‌های زباله پس از زلزله یک ریسک مهم به دنبال زمین‌لرزه‌های بزرگ هستند که در سیلاب‌های بعد از زلزله توده وسیع آوار را که وارد جریان آب می‌شود، فراهم می‌کند. چنین وضعی خسارت اول سال‌ها پس از توقف زلزله افزایش می‌دهند. مواد حاصل از آواربرداری از یک زمین‌لرزه در یک کانال شیب‌دار، زباله‌های ناپایداری هستند که در اولین بارش پس از زمین‌لرزه در جنوب ترکیه در ۲۴ اسفند روان شدند. جریان‌های زباله - که به‌صورت دوغاب‌های روان متشکل از سنگ، گل و آب هستند برای اجتماعی که در مسیرش قرار دارند، خطرات مرگباری ایجاد می‌کنند. جابه‌جایی رسوبات اشباع‌شده به‌عنوان جریان زباله، یک حلقه مهم در زنجیره «خطرات آبشاری» است که در پی زمین‌لرزه‌های بزرگ، آتش‌سوزی‌ها و سیل‌ها دنبال می‌شود. در ماه‌ها و سال‌های بعد نیز بارندگی‌های شدید ممکن است این زباله‌ها را به حرکت درآورد.

در میان کشته‌شدگان سیلاب یک کودک یک‌ساله نیز دیده می‌شود. یک خانه کانکرتی در توت، جایی که بازماندگان زلزله در آن زندگی می‌کردند، در سیل جابه‌جا شد و دو نفر کشته شدند و چهار نفر دیگر مفقود شدند. در شانلیورفا، جسد پنج شهروند سوری در داخل یک خانه در زیرزمین در مسیل پیدا شدند. درحالی‌که دو جسد دیگر از یک ون محبوس در زیرگذر بیرون آورده شدند. علاوه بر این، چهار نفر کشته شدند و دو آتش‌نشان مفقود شدند. سیل خسارات زیادی به بار آورد و چندین نفر از یک کمپینگ که در آن بازماندگان زلزله در چادرها پناه گرفته بودند، تخلیه شدند. در شانلی‌اورفا، بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان آموزشی و تحقیقاتی ایوبیه دچار سیل شد و ۲۵ بیمار مجبور به تخلیه شدند. سیل ترافیک را تحت تأثیر قرار داد. یک زیرگذر در منطقه هلیلیه زیر آب رفت و بسیاری از مردم در وسایل نقلیه محبوس شدند. نزدیک به دو هزار خانه و اداره در این استان آسیب دید.

توجه شود که ترکیه هم‌اکنون در یکی از شدیدترین خشک‌سالی‌ها، تبعات سنگین تغییرات اقلیمی را تحمل می‌کند. در چنین وضعی، رخداد بارش‌های سنگین در پی باه‌های طولانی خشکی قابل انتظار است. چنین وضعی در منطقه زلزله‌زده در جنوب ترکیه و شمال غرب سوریه به‌مراتب سخت‌تر است؛ چراکه بارش‌های شدید موجب سیلاب‌های ناگهانی flash flood خواهد شد و وجود آوار و نخاله‌های دیویده در اطراف شهرهای زلزله‌زده، این شهرها را مستعد سیلاب‌های ناگهانی بیشتر در ماه‌های آینده کرده است.